

مهر حسن مالی :

شکوه های متعدد احمد مالی :

۱ - احمد با دوستی

- الف - در صورت دوستی و سابقه نداشتن خبری به او برسد و دلور.
- ب - به بر روی بدین کار و بر روی کارهای پرانور.
- ج - اهداف غیر انسانی را دنبال کند.

۲ - احمد با اوردان بکار

- الف - در صورت اینکه در صورت دوستی و سابقه نداشتن خبری به او برسد و دلور.
- ب - میزان رسید در صورت اوردان بکار را اندازه گیری می کند.
- ج - برکت سود را پیش می کشد.

۳ - احمد مالی بین المللی

- الف - صحبت مطالعه مدارک اقتصادی هم صورت بین المللی و برود دلور
- ب - به بر روی حرکت و بود بین کشورها می پردازد

۴ - احمد با بنده ها و دوستی مالی

- الف - در بنده ها و شرکت های بیمه و دوستی با بنده های دیگر کار می کند و دلور.
- ب - پس از آنکه درون شکل و درون سرمایه را مطالعه می کند.
- ج - به بر روی تحلیل بین اندازها، ترکیب سرمایه ها و غیره کار می کند و

۵ - احمد با بنده های تجاری

- الف - به بر روی مسائل و مشكلات مالی و دوستی تجاری می پردازد و
- ب - اینها به و نامش در هر مالی با مدارک هزینه سرمایه ای را مطالعه می کند.
- ج - در صحبت به بر روی اینها و به صنعت ترین نوع فعالیت تجاری کار می کند و

تقدم به محکم افزایش مداوم سطح عمومی قیمت ها است . البته ممکن است بدون افزایش قیمت ها تقدم به صورت محتمل وجود داشته باشد . این مورد در باره ای ادوات معلق افزایش تقاضای مبرم عرضه کالا و خدمات به وجود می آید که باعث افزایش قیمت های شود . لیکن با تقدم به گسترش قیمت ها توسط دولت علائم را که تقدم به صورت گسترده کالا و خدمات خود را نشان می دهد که موجب جیره بندی و ایجاد سقف های طولانی خریداران در مقابل نزدیک شدن شود . مانند تعیین قیمت خودرود توسط دولت .

اگر تقدم به تولید کالاها و خدمات :

در صورت تقدم مداوم تولیدی بود که در آنجا است . می باید . چون قیمت کالاها و خدمات گریزناک شریک می کند و در اغلب موارد به آمد حقیقی کاهش پیدا می کند زیرا عمدتاً توسط کاهش تولید و در بلندمدت در سطح بسیار پایین تر از سطح تولیدی می شود . به علاوه میزان سرمایه ها کاهش یافته و باعث عدم رغبت در سرمایه گذاری می شود . در این شرایط قیمت عمده سرمایه ها متوجه بورس بازاری روی زمین . طلا و کالاها می شود و در نتیجه سطح تولید شدت کاهش پیدا می کند .

اگر تقدم به توزیع داشته باشد :

تقدم قدرت خرید واقعی را که از آنجا که در آنجا است و این مسئله در آنجا است که در قیمت امرای می باید . به ازادگی که در آنجا است بیشتر از قیمت ها بالا می رود منتقل نموده و توزیع در آنجا را با عادلانه تر می کند و این یعنی افزایش حریص جنسی با کسوف در آنجا . هم عبارت دیگر تغییر را تغییر کرد

دعوی را فنی تر سازد. همچنین توکم قدرت مرید واقعی نیست به مالاها و خدایات و دلبرانی چهار از

تبیانکاران به بجهان شغل سازد. از این رو سرودوان توکم صدیقیت دانا و معروف آن بهای
خرید دلبرانی حامی حقیقی از قبیل زمین و فنی مالاها مترون به معرفت است. مثلاً کسی که سرودوان توکم
بطلعه هزار دلار ترفی که سرود ۵۰ هزار دلار آن را پس از دهه در حقیقت بجز خودی با بودی پس از دهه
که نفق قدرت مزید خود را از دست داده است و در نتیجه ۵۰ هزار دلار از سرود است که تمام به چهار
مشکل می شود. همچنین اگر کسی که بطلعه هزار دلار سرود نماید می تواند در آن سال ۸۰۰ دلار بخره و در پیش
می کند و فنی سرود توکم ۲۰۰ دلار بابت می اندازد که در آن بخره سرود است مثلاً بطلعه ۱۰۰ دلار سرود می تواند.

سرود و ای سرود و سرود استعمار و دلبرانی حامی خود را به ای حامی خرید می تواند و در آن استعمار
لذا سرود آن سودی بود به سرود استعمار و سود که به ای حامی سرود غیر واقعی سرود حقیقت است
عمده ای نیز سرود سرود استعمار و این او توکم در بطلعه سرود زبان حقیقی به سرود
در سرود و سرود سازد. یکی از علل عمده در سرود سرود استعمار و فنی و فنی استعمار است.

همین عامل می باشد.

اگر توکم به سرود بخره:

باز سرود امدان بدون اسید از دست شغل می شود. سرود سرود واقعی و معروف توکم. سرود توکم
آن سرود سرود سرود استعمار و سرود توکم سرود سرود استعمار. سرود سرود سرود توکم سرود
سرود سرود سرود امدان بدون اسید می شود. سرود سرود سرود سرود سرود امدان بدون اسید

با عین دین و لا یربوا به احد بعد از آنکه در آنجا بماند. لذا افزایش نرخ نمود مستقیماً به شریکهای واک گرفته
 مستقر می شود.

اثر توهم بر مصرف :

در شرایط طبیعی قیمت ها بر مبنای تقاضای مایل همان مورد نیاز خود را مصرف و به تعادل قیمت می رسد
 لیکن در زمان بازار حاد خرید می کنند. ولی خود دوران توهم مداوم دلخواه خرید و فروش می شود
 غیر منطقی می شود. افراد با قدر کم خود و با افزایش حاد خرید می کنند. چه آن مال
 مورد نیاز باشد و چه نباشد. زیرا پول احمیت خود را به عنوان عامل منفی خرید می کنند
 می دهد و همچنین مردم با نگرانی از افزایش قیمت ها در آورده. مالا حار با خرید می کنند
 در این زمان خرید مالا حار غیر ضروری و تجلی از قتل جوهرات زمینی. آنگاه آن ها می گویند
 و آن پس اولویت پیدا می کند و در نتیجه منابع محدود کشور صرف این قبیل مالا حاد و
 باعث افکار زیاد بر تولید و توزیع مالا حار است و سود نیز می شود.

اهداف شرکت

- ۱- به مالکین و سهامداران شرکت
- ۲- به ...

اهداف مدیریت مالی :

- ۱- دستیابی به سود با رعایت متداول یا تعادل است و با بهره
- ۲- دستیابی به نقدینگی سود یا افزایش سرمایه نقدینگی

تعریف حسابداری :

حسابداری فن ثبت، طبقه بندی و تشخیص اموال و احوال مالی در قالب اعداد قابل سنجش به بیرون و غیره
 نتایج حاصل از بررسی این اعداد می باشد. و قلمین ثبت اموال و احوال را در نزد حسابداری و
 دفتر روزنامه، طبقه بندی در دفتر کل و معین و تشخیص در مورد ترازهای ماهی صورت می پذیرد. بنابراین ترازنامه
 در آن ترازهای و غیره به عمده حسابداران می باشد و نقشه شاخ به عمده مدیران می باشد -
 حسابداران بیشتر در گذشته به سری بودند و مدیران می خواستند که حسابها را
 تحلیل حسابی می نمودند به گونه ای که هر چه در تقسیم می شوند.

۱- تحلیل حسابی :

این تحلیل توسط افراد خارج از شرکت مانند بانکداران، خریداران بزرگ، محاسبان ان،
 بانک ها و موسسات اعتباری انجام می شود. ترجمه این تجزیه و تحلیل با توجه به محدودیتهای
 اطلاعاتی صورت می گیرد اما انجام می شود ولی می تواند تا حد قابل اطمینانی نظر افراد و موسسات
 ذی نفع را نشان دهد.

۲- تحلیل داخلی :

این تحلیل با حسابی من در داخل سازمان می باشد و حسابداران و دیگران که در شرکت کار می کنند و جزئیات
 حسابها و غیره را می بینند. به عبارت دیگر این دیدارها با دستهای به اطلاعات، مدلرف و
 مستندات حسابداری می تواند تحلیل حسابی را فقط صرف و قوت شرکت را تحسین دلرانه کنند.

نستبهی مالی برای محس کردن ارتباط بین اولاد محسودهای مالی به کار برده می شود. بعضی از موارد استفاده
نستبه عبارتند از: ۱- مناسبت محسودهای مختلف ۲- مناسبت عملیات ابرامی در مورد های زمانی مختلف

عوامل ایجاد مشغلات و راه حل های مناسب جهت نستبهی مالی

راه حل مناسب	مشغلات مشاهده شده	نستبهی ابرامی
۱- ایجاد روجه امانی	۱- نقد نگینی غیر مافی	نستبهی نقد نگینی مافی
۲- محدودیت در معاملات	۲- مناسبت بیشتر در قبول	
۳- اطلاع و مجبور نمودن موجودی	۳- موجودی پیش از اندازه	
۴- دریافت بستر و کم نقد درک	۴- بدهی حاصل از پیش از اندازه	
۱- ایجاد دولتی جهت ابرامی و امانی	۱- هزینه های زیاد تولید	نستبهی سود آلودگی مناسب
۲- نزدیکی در ادای حساب اسقاط و اخصی	۲- در امانی حساب بلا استفاده	
۳- استفاده از نبردهای شخصی در ضمن ابرامی	۳- قطع مردن نامناسب	
تاکید بر سلفی و بخر	۴- مرتب زودگی نامناسب	
۴- افزایش قیمت با توجه به شرایط بازار	۵- هزینه های بالای اداری	
۵- کاهش هزینه ها	۶- پرداخت پیش از حد بخر	
۶- پیدا کردن نام مناسب با معنی بخر و بخر		

۱- فرمولای نسبتهای نقدینگی:

$$\text{نسبت جاری (الف)} = \frac{\text{دارایی جاری} + \text{سودوی کمالات} + \text{حسابهای مطالبه‌شده (بسیاری)} + \text{ادوات بهادار} + \text{ذخیره نقد}}{\text{بدهی‌های کوتاه مدت} + \text{حسابهای پرداختی}}$$

$$\text{نسبت آگنی یا سریع (ب)} = \frac{\text{سودوی کمالات} - \text{دارایی جاری}}{\text{بدهی‌های جاری}}$$

۲- نسبتهای احزری:

$$\text{نسبت برنجی یا مجموع دارایی‌ها (الف)} = \frac{\text{مجموع بدهی‌ها}}{\text{مجموع دارایی‌ها}}$$

$$\text{نسبت درانال یا پیرا بخره (ب)} = \frac{\text{سود قبل از سر بخره در دارایی‌ها}}{\text{سود بخره}}$$

$$\text{نسبت پرسش بخره یا بخره (ج)} = \frac{\text{درآمد قابل کسر بخره یا بخره}}{\text{سود بخره یا بخره}}$$

۳- نسبتهای فعالیت:

$$\text{نسبت گردش موجودی کمالات (الف)} = \frac{\text{فروش}}{\text{قیمت تمام شده موجودی کمالات}}$$

۹-۲

$$\text{نسبت دوره متوسط و معمول طلب (ب)} = \frac{\text{میانگین دوره فستی}}{\text{متوسط فروش دوره}} =$$

$$\text{نسبت گردش دارایی جاری (ج)} = \frac{\text{فروش}}{\text{دارایی جاری}} =$$

$$\text{نسبت گردش مجموع دارایی ها (د)} = \frac{\text{فروش}}{\text{مجموع دارایی ها}} =$$

نسبت های سودآوری:

$$\text{حاشیه سود خالص} = \frac{\text{سود خالص پس از کسر مالیات}}{\text{فروش}} = \text{نسبت سود به فروش (الف)}$$

$$\text{سود قبل از کسر بهره و مالیات (EBIT)} = \frac{\text{نسبت بازده سرمایه (ROI)}}{\text{مجموع دارایی ها}} \text{ (ب)}$$

$$\text{نرخ بهره ای از اهرس ویژه (ج)} = \frac{\text{درصد بازده سرمایه (ROI)}}{\text{نسبت به ۱ - (۱ - ROI)}} = \frac{\text{درصد بازده سرمایه (ROI)}}{\text{نسبت به ۱ - (۱ - ROI)}} =$$

$$\text{نسبت بازده اهرس ویژه (ROE)} = \frac{\text{سود خالص بعد از بهره و مالیات}}{\text{اهرس ویژه}} \text{ (د)}$$

نسبت بندی نسبتی :

- ۱- نسبت های نقد بلی
- ۲- ~ ~ ~ ~ ~
- ۳- ~ ~ ~ ~ ~
- ۴- ~ ~ ~ ~ ~

به مجموع نسبت های هر دو دفاتر نسبتی مالکیت گفته می شود -

۱- نسبت های نقد بلی :

نسبت های نقد که توانای مالی شرکت را در مقابل بازپرداخت به هم حساب کوتاه مدت
نسبت جاری می کنند و به شرح زیر می باشد .

$$\text{نسبت جاری (الف)} = \frac{\text{وجودی کالا} + \text{حساب ملاتانی (درختی)} + \text{اموال جاری} + \text{و غیره}}{\text{سایر حساب های کوتاه مدت} + \text{حساب های پرداختی}} = \frac{\text{دارایی های جاری}}{\text{بدهی های جاری}}$$

نسبت جاری پانزده نشانه دهنده آنست که شرکت قادر به پرداخت به موقع تعهداتش نیست و نسبت
جاری بالای شان دهنده وجود نقد کم بیش از حد دارایی جاری بوده و گویای ضعف مدیریت در
به کارگیری منابع مالى شرکت است . برای تعیین نسبت معقول به عنوان شرکت و نسبت جاری
شرکتهاى متبهم توجه می شود ولى در مجموع نسبت بین ۱ تا ۱.۵ برای اکثر شرکتها قابل قبول است

$$\text{نسبت جاری (ب)} = \frac{\text{وجودی کالا} - \text{درايی جاری}}{\text{نسبت آگنی بلایم (ب)}}$$

این نسبت در قیاس شرکت نسبت جاری است زیرا موجودی را که شبه نقد محسوب می شوند از دارایی جاری
کسر می کنند . آگنی ۱ برای اکثر شرکتها مناسب به نظر می رسد .

(۸)

$$\text{نسبت بدهی به مجموع دارایی ها (الف)} = \frac{\text{مجموع بدهی ها}}{\text{مجموع دارایی ها}}$$

این نسبت نشان می دهد که از هر دو دلار دارایی های جاری شرکت در طول یک سال چقدر بدهی به عنوان شرطین سرمایه خالص شده است. بنابراین این نسبت به معنای اهرمی هم افزایش خواهد بود و به معنی اهرمی هم خواهد بود. در شرایط فزاینده افزایش اهرم در صورتی که سود خالص مورد نیاز را تامین کند. چنانچه این نسبت بیشتر از ۱ باشد و به معنی آنست که اهرم در شرکت زیاد است و در صورتی که این نسبت کمتر از ۱ باشد و به معنی آنست که اهرم در شرکت کم است. این نسبت به معنی اهرمی است.

$$\text{هر چه اهرم - سود قبل از بهره و مالیات} = \frac{\text{نسبت توانایی پرداخت بهره}}{\text{هر چه اهرم بهره}} \quad \text{ب)}$$

اگر این نسبت بین ۱ تا ۲ باشد نشان می دهد که شرکت توانایی پرداخت بهره را دارد. با افزایش سود قبل از بهره و مالیات (EBIT) توانایی پرداخت بهره افزایش خواهد یافت.

$$\text{هر چه اهرم که هزینه های مالی است} = \frac{\text{نسبت پوشش هزینه های مالی}}{\text{هر چه اهرم مالی}} \quad \text{پ)}$$

هر چه اهرم این نسبت بین ۱ تا ۲ باشد.

(9)

مسئله ۱ -

$$\text{نسبت مزدی} = \frac{\text{مجموع ناگفته مزدی مال}}{\text{مجموع مزدی مال}} \quad \text{الف)}$$

با این نسبت می توانیم مجموع مزدی شرکت را اندازه گیری کرد - نسبت ۹ برای مزدی موجودی مالان نسبت است.

مسئله ۲ -

$$\text{نسبت مزدی} = \frac{\text{مجموع مزدی مال}}{\text{مجموع مزدی مال}} \quad \text{ب)}$$

کامش این نسبت باید بر واحد بود البته نحایی که به میزان مزدی گفته می شود - اگر مزدی دوران ۱۰۰۰ دلار و مطالب ۱۰۰۰ دلار باشد به طور متوسط ۲۰۰۰ دلار برای وصول طلب زمان نیاز است چنانچه مطالب ۲۰۰۰ دلار کامش باید ۲۰۰۰ دلار برای وصول طلب زمان لازم خواهد بود - تعیین زمان باید بستگی به نوع فعالیت داشته باشد و باید به صورتی ۲۰۰۰ دلار زمان باشد است -

مسئله ۳ -

$$\text{نسبت مزدی} = \frac{\text{مجموع مزدی مال}}{\text{مجموع مزدی مال}} \quad \text{ج)}$$

این نسبت نیز برای اندازه گیری مالان شرکت و ارزش دارایی شرکت و آن ۵ مرتبه می باشد -

مسئله ۴ -

$$\text{نسبت مزدی} = \frac{\text{مجموع مزدی مال}}{\text{مجموع مزدی مال}} \quad \text{د)}$$

توانیم ایجاد کرده بودیم و بعد از محاسبه نسبت مزدی - بخش عمده آن به منظور سود می باشد که است - در این روش نسبت مزدی را می توانیم اندازه گیری کرد و نسبت است که آن ۵ مرتبه می باشد -

(۱۰)

حاشیه سود عملی = $\frac{\text{سود حاصل پس از پرداخت هزینه‌ها}}{\text{فروش}}$ و همین سود به ازای (۱۰۰٪)
 برخی عوامل موثر بر حاشیه سود عبارتند از: کاهش هزینه، افزایش هزینه‌ها، کاهش فروش، افزایش قیمت،
 کاهش هزینه‌ها و افزایش فروش. حاشیه سود ثابت در شرایطی که درصد ۲۵٪ سودی باشد.

سود قبل از کسر هزینه‌های مالی (EBIT) نسبت به بازده سرمایه‌گذاری (ROI) (ب)

مجموع دلالت‌ها

میانگین شرکتی با فرض اینکه بهترین نرخ بازگشت سرمایه داشته باشد این نسبت کاهش پیدا کرده و عمده‌تری دلالت‌ها می‌باشد.
 این روش محاسبه ROI با سیستم دوگانه صورت می‌گیرد. این نسبت محافظت کننده سود عملیاتی با دلالت‌ها
 موجود نسبت کسب بازده می‌باشد. در شرکتی که بازده بیشتر است این نسبت نیز خواهد بود.

$$ROI = \frac{\text{درصد بازده سرمایه‌گذاری (ROI)}}{\text{نسبت بدهی}} = \frac{\text{درصد بازده سرمایه‌گذاری (ROI)}}{(1 - \text{نسبت بدهی})}$$

استفاده از اهرم مالی مثل اهرم عملیاتی جهت افزایش نرخ بازدهی و بهره‌ها می‌تواند منجر به افزایش سود عملیاتی شود.
 بیشتر شده است اهرم نیز می‌باشد. زیرا در این صورت نسبت به بدهی به یک در شرکتی و افزایش
 داده و اعتراض به سود آن را هم دنبال خواهد داشت.

$$ROE = \frac{\text{سود حاصل پس از پرداخت هزینه‌ها}}{\text{سود سرمایه‌گذاری}} = \text{نسبت بازده اهرمی (ROE)} \quad (د)$$

این نسبت بیانگر درجه توانایی شرکت جهت برداشت سود قابل تقسیم بین سهامداران است می‌باشد.

ROI = Return on Investment بازده سرمایه‌گذاری

ROE = Return on equity بازده سرمایه‌گذاری (بهره)

سأله:

الملاحة زیر شروط است به شرکت آف

درجه نقد	۳۵,۰۰۰	مجموع وجهی ها	۳۰,۰۰۰	ریال
اموال باادله	۲۵,۰۰۰	مجموع دلاری ها	۹,۰۰۰	-
مسئله های مطالبی	۴,۰۰۰			
سودهای کالا	۱۰,۰۰۰	سود قبل از کسر هزینه های مالی	۱۵,۰۰۰	-
مسئله های پرداختی	۷,۰۰۰	هزینه های بهره	۲,۰۰۰	-
سودهای جاری	۳,۰۰۰	سود قبل از کسر هزینه های مالی	۵,۰۰۰	ریال
		هزینه های مالی	۱,۰۰۰	-

مطلوب:

سأله مستطوی نقدی مثل جاری و آبی و اعمری مثل بشت جی به مجموع دلاری ها و توانی پرداختی غیر
و در سس هزینه های مالی

سأله:

ماده های زیر از دست شرکت بنا خوازم کرده است

فروش	۹,۰۰۰	ریال	سودهای کالا	۱۰,۰۰۰	ریال	مسئله های پرداختی	۲,۰۰۰	ریال	مجموع وجهی ها	۳۰,۰۰۰	ریال
موسط فروش دوران	۳,۰۰۰	ریال	مادامی های مالی	۲,۰۰۰	ریال	مجموع دلاری ها	۹,۰۰۰	ریال	سود قبل از کسر هزینه های مالی	۱۵,۰۰۰	ریال
سودهای مالی از کسب و کار	۲۲۵,۰۰۰	ریال	سود قبل از کسر هزینه های مالی	۲۵,۰۰۰	ریال	سودهای جاری	۳,۰۰۰	ریال	سود قبل از کسر هزینه های مالی	۵,۰۰۰	ریال
مجموع وجهی	۲۰۰,۰۰۰	ریال	سودهای جاری	۲۵,۰۰۰	ریال	سودهای جاری	۳,۰۰۰	ریال	سود قبل از کسر هزینه های مالی	۵,۰۰۰	ریال

مطلوب:

سأله مستطوی نقدی مثل موجودی کالا و دوره موسط و عمل طلب فروش دلاری ها مالی
سودهای مالی و اعمری سود آبی مثل سودهای مالی (ROI) و سودهای جاری (ROE) و سودهای جاری

(نسبت های نقدینگی)

$$\text{نسبت جاری} = \frac{\text{دلاری های جاری}}{\text{تجاری های جاری}} = \frac{\text{موجودی کالا} + \text{حساب های پرداختی (برگشتی)} + \text{اوراق بهادار} + \text{زیر نقد}}{\text{سرمایه های کوتاه مدت} + \text{حساب های پرداختی}}$$

$$\text{نسبت جاری} = \frac{۳۵,۰۰۰ + ۲۵,۰۰۰ + ۸,۰۰۰ + ۱,۰۰۰,۰۰۰}{۷۰,۰۰۰ + ۳۰,۰۰۰} = \frac{۱,۰۶۹,۰۰۰}{۱۰۰,۰۰۰} = ۱۰.۶۹$$

۱۰.۶۹

$$\text{نسبت آنتی یا بک پر} = \frac{\text{موجودی کالا} - \text{دلاری های جاری}}{\text{مجموع حساب های جاری}}$$

$$\text{نسبت آنتی یا بک پر} = \frac{۲,۰۰۰,۰۰۰ - ۱,۰۰۰,۰۰۰}{۱,۰۰۰,۰۰۰} = ۱$$

۱

(نسبت های اهرمی)

$$\text{نسبت اهرمی به مجموع دارایی ها} = \frac{\text{مجموع اهرمی ها}}{\text{مجموع دارایی ها}}$$

$$\text{نسبت اهرمی به مجموع دارایی ها} = \frac{۳,۰۰۰,۰۰۰}{۵,۰۰۰,۰۰۰} = \frac{۱}{۲}$$

تداثر ۵۰ درصد

$$\text{حزب مخالفی نحوه} = \frac{\text{مردم کل از کسر خود را میسازد}}{\text{حزب مخالفی نحوه}} = \text{نسبت توانایی پرداخت نحوه}$$

$$\text{نسبت توانایی پرداخت نحوه} = \frac{1500000 - 200000}{200000} = 5,5$$

۷۶۵

$$\text{نسبت پیش از سرپرداختن اقساط} = \frac{\text{مقدار کسر مانده از سرپرداختن اقساط}}{\text{حزب مخالفی نحوه}}$$

$$\text{نسبت پیش از سرپرداختن اقساط} = \frac{500000}{100000} = 5$$

۵ تا ۳ برقیه

(نسبت های فعلی)

$$\text{نسبت ارزش موجودی کالا} = \frac{\text{مزدگ}}{\text{قیمت نام شده موجودی کالا}}$$

$$\text{نسبت ارزش موجودی کالا} = \frac{9000000}{1000000} = 9$$

9

$$\text{نسبت دوره متوسط طول طلب} = \frac{\text{میانگین دوره تسلی}}{\text{میانگین ارزش روزانه}}$$

$$\text{نسبت دوره متوسط طول طلب} = \frac{500000}{25000} = 19,67$$

۱۹،۶۷

$$\text{نسبت ارزش دارایی های جاری} = \frac{\text{مزدگ}}{\text{دارایی های جاری}}$$

$$\text{نسبت ارزش دارایی های جاری} = \frac{9000000}{2000000} = 4,5$$

۵

$$\text{نسبت ارزش مجموع دارایی ها} = \frac{\text{مزدگ}}{\text{مجموع دارایی ها}}$$

$$\text{نسبت ارزش مجموع دارایی ها} = \frac{9000000}{4500000} = 2$$

۲

(نسبت های سودآوری)

$$\text{سود خالص به ازای سرمایه} (EBT) = \frac{\text{نسبت سود به فروش}}{\text{فروش}}$$

$$\text{نسبت سود به فروش} = \frac{225,000}{9,000,000} = 0.125$$

صورت ۲۵ درصد

$$\text{سود قبل از بهره و مالیات} (EBIT) = \frac{\text{نسبت بهره به سرمایه} (ROI)}{\text{مجموع دلارهای صاف}}$$

$$\text{نسبت بهره به سرمایه} (ROI) = \frac{28,000}{45,000} = 0.158$$

صورت ۲۵ درصد

$$\text{نسبت بهره به سرمایه} (ROI) = \frac{\text{نسبت بهره به سرمایه} (ROI)}{\text{نسبت بهره به سرمایه} (ROI) - (1 - \text{نسبت بهره به سرمایه} (ROI))}$$

$$\text{نسبت بهره به سرمایه} (ROI) = \frac{0.158}{1 - \frac{20,000}{25,000 + 20,000}} = \frac{0.158}{1 - 0.44} = \frac{0.158}{0.56} = 0.28$$

صورت ۲۵ درصد

$$\text{نسبت بهره به سرمایه} (ROE) = \frac{\text{سود خالص به ازای سرمایه}}{\text{سرمایه}} = \frac{\text{نسبت بهره به سرمایه} (ROI)}{\text{نسبت بهره به سرمایه} (ROI) - (1 - \text{نسبت بهره به سرمایه} (ROI))}$$

$$\text{نسبت بهره به سرمایه} (ROE) = \frac{225,000}{25,000,000} = 0.19$$

صورت ۲۵ درصد

(۱۲)

سازد: شرکت سهامی ۸۰۰,۰۰۰ دلار موجودی و ۶۴۰,۰۰۰ دلار برده‌ی داشته است. مدیریت این شرکت لایحه‌ی درخواستی
موجودی مال خود را ۹ را در نظر گرفته است. کمبود بازار موجودی بر اساس چه متوسط‌ها و

می‌باید که...
~~دلاری که در نظر گرفته شده است~~
~~دلاری که در نظر گرفته شده است~~
دلاری که در نظر گرفته شده است

✓ سازد: دلار بازار موجودی بر اساس متوسط ۹ ۸۹۰۰ - ۷۱,۱۰۰ - ۸۰۰,۰۰۰

در شرکت آفتاب حاصله سود ۲۵ درصد، بازده سرمایه (ROI) ۳۰ درصد، فرودس ۱.۶ دلار،
سود قبل از کسر بهره و مالیات (EBIT) ۳۰۰,۰۰۰ دلار و مجموع بدهی ۲۰۰,۰۰۰ دلار می‌باشد.

مطلوب است:
حاصل به نسبت بازده ارزشی ویژه (ROE)

$$\text{سود حاصل بعد از مالیات} = \frac{\text{نسبت بازده ارزشی ویژه (ROE)}}{\text{فرودس}}$$

$$\text{سود حاصل پس از کسر بهره} = \frac{\text{سود حاصل پس از کسر مالیات}}{\text{فرودس}} = \frac{x}{1.6} = \frac{25}{1.0} \Rightarrow x = 250,000$$

$$\text{نسبت بازده سرمایه (ROI)} = \frac{\text{سود قبل از کسر بهره و مالیات (EBIT)}}{\text{مجموع دارایی‌ها}} = \frac{300,000}{x} = \frac{30}{1.0} \Rightarrow x = 1,000,000$$

$$\text{نسبت بازده} = 800,000 = 200,000 - 1,000,000 \Rightarrow \text{مجموع بدهی} = \text{مجموع دارایی} = \text{نسبت بازده}$$

$$ROE = \frac{250,000}{800,000} = 0.31$$

(۱۳)

بسیار از اینجورهای ماکلیت که مربوط به سود می باشد و باید از نسبت عادلانه حرکت .

۲- نسبت قیمت لحاظ به عادلانه حرکت و ۳- نرخ بازده سرمایه گذاری حرکت .

$$\text{نسبت عادلانه حرکت (EPS)} = \frac{\text{سود کلین در بازه زمانی}}{\text{تعداد سهام}} = \text{درآمد حرکت}$$

یکی از معیارهای سود و تقویم برای خریداران سهام درآمده حرکت یا EPS می باشد .

$$\text{نسبت قیمت لحاظ به عادلانه} = \frac{\text{قیمت بازار لحاظ}}{\text{عادلانه حرکت}} = \frac{P}{E}$$

این نسبت مهم ترین معیار از دیدگاه سرمایه گذاران در بازار است که به وسیله سرمایه گذاران در بازار مورد استفاده قرار می گیرد .
خریداران سهام استفاده از این عامل جنبش را به هر عامل دیگری در زمان خرید لحاظ ترجیح می دهند .

نسبت P به E بیان کننده قیمت فعلی و آنگاه بازار لحاظ می باشد و نرخ بازده سرمایه گذاری حرکت نام دارد .
نسبت P به E بیان کننده ارزش فعلی و آنگاه بازار لحاظ می باشد و نرخ بازده سرمایه گذاری حرکت نام دارد .

چنانچه EPS همواره در حال افزایش است و در حال حاضر ۵۰ درصد است و در آینده ۱۰۰ درصد خواهد بود .
نرخ بازده حرکت (EPS) = $\frac{\text{درآمد حرکت}}{\text{قیمت بازار حرکت}}$ نرخ بازده سرمایه گذاری حرکت

EPS = Earning Per share عادلانه حرکت
P = Price

سأله:

(۱۴)

در شرکت با نسبت P به E معدل ۹٪ و سود و عیدی هر یک این شرکت ۲۰۰ ریال است. چنانچه
میش بین سود عیدی هر یک در پایان سال آنگونه به ۵۰۰ ریال افزایش باید مخلوط است:

حالا به قیمت فعلی سهام و بیش بین قیمت سهام در پایان سال آنگونه با افزایش قیمت بودن است ۹٪

(حل)

$$\text{قیمت فعلی سهام} = \frac{\text{قیمت بار اولی سهام}}{P/E} = \frac{9}{1} = \frac{x}{200} \Rightarrow x = 1800$$

$$\text{قیمت سال آنگونه سهام} = \frac{9}{1} = \frac{y}{500} \Rightarrow y = 4500$$

سأله:

در شرکت البر عیدی هر یک ۳۵۰ ریال و قیمت هر سهم این ۲۲۰۰ ریال است. مخلوط است:

حالا بار اولی مورد افکار هر یک

(حل)

$$\text{نرخ بار اولی مورد افکار هر یک} = \frac{\text{سود بار اولی هر یک}}{\text{قیمت بار اولی هر یک}} = \frac{350}{2200} = 1/6$$

احتمالاً وسیله‌ای است که صاحبان شرکت را با افزایش عملی افسانند می‌کند. از این مفهوم استفاده کرده شرکت نیز استفاده می‌کند. آنگاه که مدیر مالی با استفاده از تحقیق خود قادر به تشخیص و استفاده از انواع این احرام خواهد بود.

احرم بازده سرمایه:

بازده سرمایه (ROI) اولین شاخص ارزیابی کارایی مدیریت شرکت بود حاصل از عملیات امیر این است. همانگونه که نمودار در زیر نشان می‌دهد بازده سرمایه از دو عامل تشکیل

می‌شود
۱- گردش مجموع دارایی

۲- حاشیه سود

اگر حرکت از این جنبه‌ها امری باشد بازده سرمایه به درجهت بالا نری همانگونه که در جدول زیر نشان داده شده است امری خواهد یافت.

شماره	توضیح	گردش	حاشیه سود	بازده سرمایه
۱	گردش مجموع دارایی	۱.۵	۰.۱۵	۰.۲۲۵
۲	حاشیه سود	۳	۰.۰۴	۰.۱۲
				۰.۱۸

$$ROI = \frac{EBIT}{\text{گردش}} \times \frac{\text{مردن کل داراییها}}{\text{مجموع داراییها}}$$

$$\frac{EBIT}{\text{گردش}} = \text{حاشیه سود}$$

$$\frac{\text{مردن کل داراییها}}{\text{مجموع داراییها}} = \text{نسبت مردن کل داراییها}$$

این گردش کلیج دلدای حاصه عمران بنجه لزه اعم بارده سرمایه :

عمران لزه اعم دلدای به عمران گردش کلیج دلدای حاصت یاجه لعم بارده سرمایه اعمده هاست
به صورت دیگر لعم دلدای بارده سرمایه شرکت لزه عمران به سرمایه دلدای حاصه لعمده هاست

دلایل اعمت این اعمت عبارتند از:

۱- یک جانبه بودن کسب سودی است. در مقابل به شرکتی که عملیاتش متوجه برای
بازرسی کسب سودی کند انتظار رود حتمی سود یکسانی نیز داشته باشد. لکن موقعی که این اعم
که هزینه های آنرا تقریباً مساوی و با سرمایه شرکتی برابر می شود ملاحظاتی خود به قیمت
یکسان نیز هست. در این شرایط افزایش بارده سرمایه (ROI) لزه عمران اثر اعمده خواهد بود
بسیار مشکل است. با این حد اکثر خود بر دلدای لزه اعمی حاصم و از ادویت حاصم برخوردار
خواهد بود.

۲- گردش دلدای حاصه اعمی شرکت را نشان می دهد.

لزه اعمی حاصه اعمی یک شرکت می تواند لزه اعمی بخش جم فروش شرکتی براساس میزان
دلدای حاصه اعمی شده بر روی سود شرکتی که بخش لزه دلدای حاصه اعمی آنرا محدود اعمده
تر از تقریباً باشد لزه اعمی یعنی برخوردار بوده و در اعمی اعمده فعلن می باشد. لزه اعمی
موفق و دلال با اعمی کسب سود حاصت کوشش خود را بهای دالسن بارده لعم به عمل
می آورند و این هدف از طریق سود حاصل لزه اعمی حاصل دلدای حاصه اعمی آن
به بارده سرمایه تحقق می یابد. گردش دلدای حاصه اعمی است که لزه اعمی آن میزان
اعمی لعمی دلدای حاصه اعمی شده و محدود مقابله لعمی لعمی. لزه اعمی دلدای بارده
دلدای حاصه اعمی لعمی با دیگر شرکتی باشد آن شرکت لزه اعمی دلدای حاصه اعمی برخوردار
است و بالعکس تا اعمی بارده دلدای حاصه اعمی شده لزه اعمی دلدای حاصه اعمی خواهد بود.

بی حاشیه بود به عنوان بخشی از اجزای بازده سرمایه :

از جمله هزینه های ثابت به معنی هر دارایی حاشیه سود بدون حاشیه دارنده با کنترل دقیق هزینه های توان
حاشیه بود را به نحوی افزایش داد تا اثر اجزای بازده سرمایه داشته باشد. بخش های عمده ای که
انتخاب کننده هزینه ها را میسر است همانند اجزای بازده سرمایه - ۲ هزینه های پرسنلی و هزینه های توزیع
و هزینه های اداری

اجزای عملیاتی :

در شرایطی که تغییرات در فروش موجب تغییرات بیشتری در EBIT شود اجزای عملیاتی مطرح می شود.
درجه اجزای عملیاتی در مورد تغییرات سود قبل از کسب مخرد مالیات (EBIT) وابسته به
درصد تغییرات فروششان می باشد.

نکات مهمی که در درجه اجزای عملیاتی باید مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

- ۱. رابطه با هزینه های ثابت - درجه اجزای عملیاتی با هزینه های ثابت نسبت مستقیم دارد. اگر
نسبت هزینه های ثابت نسبتاً بالا باشد و اجزای قابل توجهی در درجه نهایی (مجموعه های هزینه های متغیر)
باید نسبت به اجزای هزینه های ثابت به اندازه کافی شود. در نقطه سر به سر (درآمد = هزینه ثابت + هزینه متغیر)

نمایند که نوع EBIT تبدیل می شود

- ۲. هزینه های اجزای متغیر به نقطه سر به سر - زمانی که شرکت به نقطه سر به سر برسد در هر یک از اجزای
سود زایی موجب افزایش بیشتری در EBIT می شود. به این معنی است که اگر شرکت نزدیک نقطه
سر به سر باشد در هر یک از اجزای سود زایی موجب لذت دادن کل EBIT می شود.

مثال :

شرکت دلداس ۵ دلار سود نهایی در هر واحد است و یک واحد کالا را پس از تولید

هم نقدی که به هر به فرزندش می رسد به طوری که معادل ۵ دلار EBIT خواهد داشت. به فرزندش (۱۲)

یک واحد دیگر ~~EBIT~~ ^{EBIT} خواهد تواند کرد. ^{۸۶}

(مث) ۳ دو برابر یعنی ۱۰ دلار می رسد یعنی با درجه هزینه افزایش به فرزندش EBIT معادل ۱۰۰٪ افزایش می رسد.

درجه احرام عملی در مجموع فرزندش می تواند که هزینه نسبت کم و سود نهایی به EBIT می رسد که اگر کم باشد ۹۰۰۰ دلار و EBIT ۴۵۰۰۰ دلار باشد احرام عملی $\frac{9}{45}$ یا $\frac{2}{10}$ خواهد شد. بنابر این فرزندش با هر سودی افزایش می رسد EBIT دو برابر آن درجه افزایش خواهد یافت.

$$\text{نسبت عملی} = \frac{\text{کم نهایی}}{EBIT} = \frac{\text{هزینه تغیر} - \text{سود}}{\text{هزینه ثابت} - \text{هزینه تغیر} - \text{سود}}$$

$$\text{کم نهایی} = \text{سود} - \text{هزینه تغیر}$$

$$EBIT = (\text{هزینه ثابت} + \text{هزینه تغیر}) - \text{سود}$$

مثال: فرزندش که ۱۰۰۰۰ واحد وقت فرزندش خواهد ۵ دلار است. هزینه تغیر ۳ دلار و هزینه ثابت ۱۰۰۰۰ دلار است. احرام عملی را می رسد که به فرزندش افزایش ۵ درصدی در فرزندش احرام عملی را مجدداً محاسبه و نتیجه فایده.

(۱۹)

$$\text{درجہ احکم عملیاتی} = \frac{50,000,000 - 30,000,000}{50,000,000 - 30,000,000 - 10,000,000} = \frac{2}{1} = 2$$

اگر فروشی ۵۰ روپے انزائیسی یا بدویم ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ روپے بہ EBIT عدد روپے انزائیسی یا بدویم ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ روپے رہے۔ (EBIT) حاصل حافہ ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ روپے (دلاہ است)۔
در علی فروشی جدید مو احم دانت :

$$\text{درجہ احکم عملیاتی} = \frac{75,000,000 - 45,000,000}{75,000,000 - 45,000,000 - 10,000,000} = \frac{30,000,000}{20,000,000} = \frac{3}{2} = 1.5$$

$$EBIT = 75,000,000 - 45,000,000 - 10,000,000 = 20,000,000$$

انزائیسی در فروشی ساتھ طواری برص تغییر جدیدی در درجہ احکم عملیاتی ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ روپے یا بدویم
به عبارت دیگر در میزان انزائیسی در فروشی نیز با ۱۵۰ برابر انزائیسی در در آنگه عملیاتی همراه خواهد
بود. درجہ احکم عملیاتی با عدد روپے انزائیسی در فروشی بعد از نقطه سر به سر کاهش می یابد و در
هزینه های ثابت با انزائیسی در آنگه ها و هزینه های متغیر کاهش می یابد. (درجہ احکم عملیاتی
با هزینه های ثابت نسبت مستقیم دارد).

درجہ احکم عملیاتی اثر تغییرات در فروشی به در آنگه عملیاتی را برای هم حال بیان می کند. اگر شرکتی
درجہ احکم عملیاتی بالا داشته باشد تغییر جزئی در فروشی تاثیر زیادی بر EBIT خواهد داشت.
حال اگر شرکتی با درجہ احکم عملیاتی بالا با کاهش فروشی مواجه شود EBIT ممکن است
بسیار کمتری نسبت به آنچه در نظر می آید باشد. به عنوان یک قاعده کلی شرکتی که عاملی نیستند که در
شرکتی درجہ احکم عملیاتی بالا داشته باشد. در این حالت ریسک شرکت بسیار بالا است زیرا با
کاهش جزئی در فروشی درجہ زیادی کم شود و اگر شرکت وارد می شود. شرکتی که ترجیح می دهد که

بهانه از وامانی بالای نقطه سر به سر فعالیت داشته باشند تا از خطر نوسان های فروش دور دور
فاصله بگیرند.

اهم هزینه های تجربه (اهم مالی) :

زمانی که یک شرکت به علت داشتن بدهی مجبور به پرداخت بهره می شود درجه اهمیت هزینه تجربه (اهم مالی)
سفر می شود. این اهمیت به این تغییر در درآمد عملیاتی و اثر آن روی EBIT را مشخص می کند.
این اهمیت با اهمیت عملیاتی جنبه ای که از یک رویکرد سودی می کند و این طریق از مدل زیر
محاسبه می شود :

$$\text{اهم هزینه های تجربه} = \frac{\text{EBIT} - \text{هزینه های ثابت} - \text{هزینه تغییر} - \text{درآمد}}{\text{EBT} - \text{هزینه تجربه} - \text{هزینه ثابت} - \text{هزینه تغییر} - \text{درآمد}}$$

مثال :
با توجه به اطلاعات مثال شرکت شراب آمریقا این شرکت ۲۵۰۰۰ دلار بابت اهمیت
هزینه های تجربه در ۱۰۰۰۰۰ دلار فروش چند مرتبه خواهد بود ؟

$$\text{رتبه} = \frac{۵۰۰ - ۲۰۰ - ۱۰۰}{۵۰۰ - ۲۰۰ - ۱۰۰ - ۲۵} = \frac{۱۰۰}{۷۵} = ۱,۳۳$$

~~اهم هزینه های تجربه به این معنی است که هر چه EBIT کمتر باشد اهمیت هزینه های تجربه بیشتر می شود.~~
مردم به اهمیت هزینه های تجربه توجه می کنند و این اهمیت این شرکت را در این زمینه
در نظر می گیرند و به همین علت است که اهمیت مالی می تواند آن را که به حساب می آید که در این زمینه
توجه می کنند که $\frac{\text{EBIT}}{\text{EBT}}$ را اهمیت هزینه های تجربه می نامیم.

EBT = Earning before tax ← سود قبل از مالیات

احتمال ترکیب :

احتمال ترکیب صفت تغییر پذیر است که در صورت تغییرات در EBT و همچنین تغییرات در صورته فاصل
 صورته تقاده ترکیب می شود. این احتمال اثرات اعمی عملیاتی واحمی هزینه های تجربه را با هم
 ترکیب می کند.

احتمال ترکیب که در جدولی قابل مشاهده است :

روش اول : نسبت حاصل به هم یعنی EBT ، برای اینکه احتمال ترکیب همان که در جدولی مشاهده می شود

$$\text{احتمال ترکیب} = \frac{\text{هزینه تغییر} - \text{درآمد}}{\text{هزینه تجربه} - \text{هزینه ثابت} - \text{هزینه تغییر} - \text{درآمد}}$$

روش دوم : حاصل ضرب احتمال عملیاتی در واحمی هزینه های تجربه ، مطابق این روش اگر احتمال
 عملیاتی ۲ واحمی هزینه های تجربه ۳ باشد احتمال ترکیب ۶ خواهد بود . با داره های ساده
 شرکت مشایق در فردی ۱۰۰۰۰۰۰ و بعد احتمال ترکیب برابر خواهد بود با :

$$\text{احتمال ترکیب} = 2 \times 1,33 = 2,66$$

این به آن معنی است که هر دو تغییر در فردی ۲,۶۶ برابر همان در فرد تغییر در EBT ای خواهد بود
 احتمال ترکیب شرکت مشایق طبق روش اول برابر هم می شود.

$$\text{نسبت} = \frac{500 - 300}{500 - 300 - 100 - 200} = 2,66 = \text{احتمال ترکیب}$$

کئی لڑکھتری و فانیف ہر مال بقین عطفی و کسب ما مایس ہر ای رسیدن بہ اعدان کسب اسع

مولود استفادہ بہ نامہ برای

۱- پیش بینی مشعلات و فرستادہ

۲- صحاحنی عملیات

۳- تکب بہ کسب

۴- ایی دانشدار و حال برای اجرا

تجزیہ و تحلیل نقطہ سر بہ سر

سر مکتبی نقطہ سر بہ سر، میزان ارتسی پوی ااروی عود عودکی و معدله توکلی ااروی عوداتی
شکن می دهم. حریم حا کہ در تحلیل عود استفادہ تر کسب می کنند بہ کسب برای با کسب :

۱- حریم های ثابت. حریم های حستہ کہ در تمام سلوم توکلی ثابت باقی می ماند بہ عنوان مثال

میزان اجاره ای کہ برای ساختمان پرداخت می شود، کہ معنی آن بہ صورت فضا واقعی است. حریم های

ثابت در کل ثابت و در و لعد توکلی متغیر می باشد.

۲- حریم های متغیر، کہ با تغییر تعداد واحد توکلی تغییر می کند. بہ عبارت دیگر در توکلی غیر متغیر

متغیر وجود ندارد و ہم ثابت اند. میزان توکلی میزان حریم متغیر نیز اند. این می باشد. مانند خرمن

مولود اولیہ حریم های متغیر در کل متغیر و در و لعد توکلی ثابت حستہ.

عمل نقاط معنی حریم کل با معنی در آمد ما نقطہ سر بہ سر می نامند (TR = TC). کسب و کسب برای

این سطح توکلی بود و این تر اند این سطح توکلی زبان قواعد دانست.

مردم تقفه سرمایه

$$Q = \frac{FC}{P - V} = \text{تقدار تولید در تقفه سرمایه}$$

TC > TR
B.F.P

اشتباه ریاضی تقفه سرمایه

خرشینه = درآمد

خرشینه تغییر (VC) + خرشینه ثابت (FC) = (قیمت فروش یک واحد × تعداد تولید)

(خرشینه تغییر واحد × تعداد تولید) + خرشینه ثابت = (قیمت فروش یک واحد × تعداد تولید)

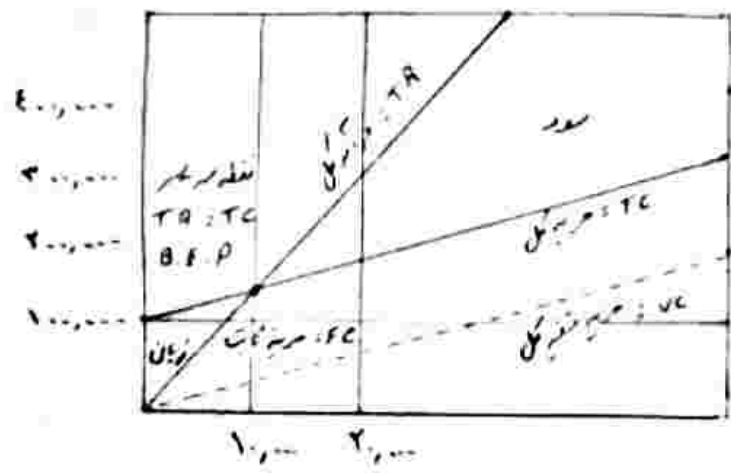
خرشینه ثابت = (خرشینه تغییر واحد × تعداد تولید) - (قیمت فروش یک واحد × تعداد تولید)

خرشینه ثابت = (خرشینه تغییر واحد - قیمت فروش یک واحد) × تعداد تولید

$$\text{تعداد تولید} = \frac{\text{خرشینه ثابت}}{\text{خرشینه تغییر واحد} - \text{قیمت فروش یک واحد}} \Rightarrow Q = \frac{FC}{P - V}$$

نمودار خطی تقفه سرمایه

دولار



واحد

Q = quantity قیمت

P = Price قیمت

FC = Fix cost ثابت

V = variable تغییر

تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر عقلی :

(۲۴)

در شرکتی که تولیدی هزینه‌ها در مجموع به نسبت تولید هم نسبت افزایش می‌یابد. سپس همراه با افزایش تولید سطح هزینه‌ها کاهش پیدا کرده و نهایتاً زمانی که تولید به طرفت واقعی می‌رود هزینه‌ها هم کاهش می‌یابد. افزایش پیدا خواهد کرد. از طرف دیگر وقتی درآمد حاصل از فروش کم می‌شود با افزایش دامنه واری و وقتی شرکت برای دست‌یابی به حجم فروش بالا هزینه‌ها را کاهش می‌دهد میزان سود

منفی درآمد کاهش پیدا می‌کند. همچنین با افزایش بیش از حد تولید، دامنه منفی هزینه‌ها می‌تواند از دامنه مثبت افزایش دامنه منفی هزینه‌ها بزرگتر شود. اما نکته این است که در نقطه سر به سر، درآمد و هزینه‌ها برابر است. در این نقطه، شرکت در سود است. اگر درآمد از هزینه‌ها کمتر باشد، شرکت در زیان است. اگر درآمد از هزینه‌ها بیشتر باشد، شرکت در سود است.

$$S_B = \frac{FC}{1 - \frac{VC}{S}}$$

$S_B =$ میزان فروش در نقطه سر به سر (بر حسب واحد پولی)

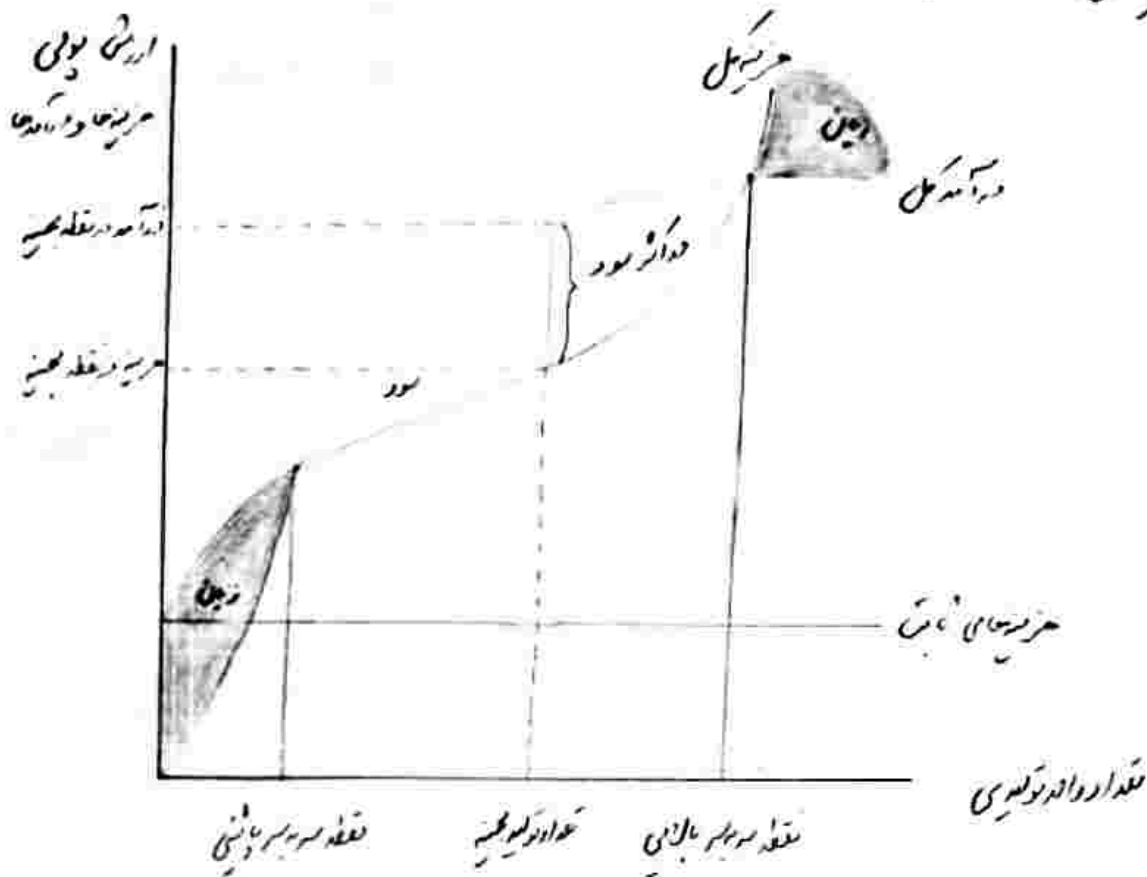
$FC =$ کل هزینه ثابت

$VC =$ کل هزینه متغیر

$S =$ کل فروش یعنی فروش (در مجموع مختلف)

۵

نمودار غیر خطی نقطه سر به سر:



سازمان نقطه سر به سر خطی:

شرکت A دارای هزینه ثابت ۵۰۰,۰۰۰ دلار و قیمت فروش هر واحد محصول ۲ دلار و هزینه متغیر هر واحد کالا ۱ دلار است. مطلوب است محاسبه نقطه سر به سر بر اساس مقدار فروش.

$$Q = \frac{FC}{P - V} \Rightarrow Q = \frac{500,000}{2 - 1} = 500,000$$

تعداد تولید نقطه سر به سر
بر اساس ارزش پولی

سازمان نقطه سر به سر غیر خطی:

در شرکت B هزینه ثابت ۸۰۰,۰۰۰ دلار، هزینه متغیر هر واحد کالا ۲ دلار و قیمت فروش هر واحد کالا ۴ دلار است. چنانچه شرکت ۳۰۰,۰۰۰ واحد کالا تولید و عرضه کند مطلوب است محاسبه نقطه سر به سر بر اساس ارزش پولی.

$$S_B = \frac{FC}{1 - \frac{VC}{S}} \Rightarrow S_B = \frac{800,000}{1 - \frac{300,000}{900,000}} = \frac{800,000}{\frac{600,000}{900,000}} = 2400,000$$

دلار جمع ارزش نقطه سر به سر

تخریب و تحلیل عمی شود:

با فرض کردن سود به هزینه ثابت در فرمول نقطه سر به سر می توان میزان فروش سود ساز را در هر سطح متغیر و (در سطحی یونی) برای یک سود مطلوب بدست آورد. این فرمول به فرمول زیر می باشد.

$$SO = \frac{FC + Profit}{MC\%} = \frac{FC + Profit}{1 - \frac{VC}{S}} = \frac{FC + Profit}{\frac{S - VC}{S}}$$

متغیر S سطح فروش (بر اساس ارزشی یونی) مورد نیاز برای یک سود مطلوب می باشد.

$$Q = \frac{FC + Profit}{P - V}$$

متغیر Q سطح فروش (بر اساس تعداد واحد) مورد نیاز برای

یک سود مطلوب می باشد.

این فرمولها رابطه اساسی بین سود و فروش را نشان می دهند. ما از ارزشی ثابت به هزینه ها، میزان سود حاصل از عملیات را مشخص می کند. این سود برای پوشش هزینه های ثابت مانند بهره وام های اجتناب پذیر است و سود باقی مانده را تقسیم به سهامداران می نماید. فرمول عمی سود می تواند برای اندازه گیری سودهای مختلف بکار رود. مفهوم اصلی سود خالص (EBIT) (سود قبل از بهره وام) است.

شرکت C سرولده مالی خود را 5 دلار می فروشد. هزینه تنگین هر واحد مالی C دلار و هزینه ثابت متغیر
 2,000 دلار می باشد. اگر این شرکت بخواهد معادل 9,000 دلار EBIT داشته باشد مطلوب است:

- الف - حجم سطحی که فروش برای آن ارزش پولی باید داشته باشد؟
 ب - - - - - مقدار واحد - - - - - ؟

(حل الف)

$$S = \frac{FC + EBIT}{\frac{S - VC}{S}} = \frac{2,000 + 9,000}{\frac{A - E}{A}} = 1,500,000 \text{ دلار}$$

(حل ب)

$$Q = \frac{FC + EBIT}{P - V} = \frac{2,000 + 9,000}{A - E} = 2,000 \text{ تعداد}$$

تغییرات مبلغ فروش:

بند قابل توجه می‌باشد با فرض قیمت فروش و ثابت بودن هزینه‌های متغیر هر واحد کالا میزان سود و در طول مختلف فروشها به این گونه:

مثال:

شرکت O با توجه میزان سود در هر مبلغ تولید ۱۰۰,۰۰۰ دلار، ۱۵۰,۰۰۰ دلار و ۲۰۰,۰۰۰ دلار کالا را به این گونه در هر مبلغ قیمت فروش هر واحد کالا ۵ دلار و هزینه‌های متغیر هر واحد ۳ دلار و هزینه ثابت ۲۲,۰۰۰ دلار و به این معادل ۲۰۰,۰۰۰ دلار به نرخ ۱۲ درصد و نرخ مالیات ۲۵ درصد به منظور:

حاصل مقدار سود و نقطه سر به سر و تغییر در هر یک از تغییرات مختلف فروشها به میزان سود

خالص مقدار فروش:

$$Q = \frac{FC}{P-V} = \frac{22,000}{5-3} = 11,000 \text{ واحد}$$

مقدار فروش -	۱۰۰,۰۰۰ دلار	۱۵۰,۰۰۰ دلار	۲۰۰,۰۰۰ دلار
درآمدها کل (هر واحد ۵ دلار)	۵۰۰,۰۰۰	۷۵۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰
هزینه متغیر (هر واحد ۳ دلار)	(۳۰۰,۰۰۰)	(۴۵۰,۰۰۰)	(۶۰۰,۰۰۰)
درآمدها ناخالص M.A	۲۰۰,۰۰۰	۳۰۰,۰۰۰	۴۰۰,۰۰۰
هزینه‌های ثابت	(۲۲,۰۰۰)	(۲۲,۰۰۰)	(۲۲,۰۰۰)
EBIT	(۲,۰۰۰)	۸۰,۰۰۰	۱۸۰,۰۰۰
هزینه بهره	(۲۴,۰۰۰)	(۲۴,۰۰۰)	(۲۴,۰۰۰)
EBT	(۴۴,۰۰۰)	۵۶,۰۰۰	۱۵۶,۰۰۰
مالیات ۲۵ درصد	-	(۱۴,۰۰۰)	(۳۹,۰۰۰)
سود (برای)	(۴۴,۰۰۰)	۴۲,۰۰۰	۱۱۷,۰۰۰

تغییر میزان هزینه تغییر قیمت:

عموماً تغییرات قیمت بر میزان هزینه تأثیر گذارند و به نحوی که با افزایش قیمت میزان مخارج بر این محور افزایش می یابد و برعکس ممکن است سود آندی نیز افزایش یابد. اما تا حدی اوقات افزایش حجم فروش نیز ممکن است که نتیجه نهایی آن سود بیشتر باشد. به سادگی زیر توجه کنید:

مثال:

با توجه به سندهای شرکت ۵ میلیون تومان که شرکت با قیمت ۵ دلار برای هر واحد می تواند ۱۰۰۰ واحد به فروش برساند. به فرضی بیش از پیش می گوییم که اگر قیمت به ۶٫۵ دلار افزایش یابد فروش شرکت به ۷۵۰ واحد کاهش خواهد یافت و اگر قیمت به ۴٫۵ دلار برسد فروش شرکت ۱۲۵۰ واحد خواهد بود. کدام قیمت باید توسط شرکت انتخاب شود؟ جدول زیر تحلیل ۵۴ تغییرات مالی صنایع بر میزان سود حاصل را تهیه کرده است.

تعداد فروش	۱۰۰۰	۷۵۰	۱۲۵۰
	(به قیمت ۵ دلار)	(با قیمت ۶٫۵ دلار)	(با قیمت ۴٫۵ دلار)
جمع درآمدها	۵۰۰۰۰۰	۴۸۷۰۰۰	۵۶۲۰۰۰
هزینه تغییر (هر واحد ۳ دلار)	(۳۰۰۰۰۰)	(۲۲۵۰۰۰)	(۳۷۵۰۰۰)
هزینههای ثابت	(۲۲۰۰۰۰)	(۲۲۰۰۰۰)	(۲۲۰۰۰۰)
EBIT	(۲۰۰۰۰۰)	۴۲۰۰۰	(۳۲۰۰۰)
مکس	(۲۴۰۰۰۰)	(۲۴۰۰۰۰)	(۲۴۰۰۰۰)
مالیات	-	(۴۹۰۰۰)	-
سود (زیان) حاصلی	(۴۴۰۰۰۰)	۱۳۰۸۷۵	(۵۶۰۰۰۰)

توضیح:

جدول صنایع نشان می دهد که شرکت در قیمت ۶٫۵ دلار سود خواهد داشت. البته تقریباً لاابح

این مبلغ تمام شود که قیمت ۴ دلار و ۵۰ سنت از این میزان می شود و در سود شرکتی را به همراه فواید دیگر (۳۰)
 در حالیکه با قیمت ۶٫۵ دلار عمده خریدی کاملاً و در سود خالصی از این می آید. بنام این شرکت خالص
 از این میزان سود خالص داشته باشد به هر یک ۶٫۵ دلار را این را می آید. و به این دلیل فواید از این میزان سود خالص
 کاملاً قیمت معنی دلگرم بود.
 تغییرات هزینه های قابل کنترل =

اصل شرکت خالص را در این هزینه های قابل کنترل و در این بین آن دو دارند. برای مثال شرکتی را
 در نظر بگیریم که در سطح معینی از هزینه های قابل کنترل و تغییر می کند. اگر این شرکت برای هر هفته
 که در آن ماشین آلات و تجهیزات سرمایه گذاری می کند، هزینه های قابل کنترل هزینه های کلی است،
 استحکام و بهینه سازی فواید است اما کاملاً هزینه های تغییر به دلیل افزایش کارایی
 ماشین آلات اتقان فواید افتاد. اگر تولیدی کاملاً باشد کاملاً هزینه های تغییر نسبت به افزایش
 هزینه های قابل کنترل ایجاد صرفه جویی می کند. در نتیجه به دلیل خرید ماشین آلات جدید شرکت در سطح
 سود در این شرکتی قرار خواهد گرفت یا نه مانند شرکتی که در سطح مزدی ۲۵۰۰۰ دلار و سود
 هر هفته ۶٫۵ دلار بود فرض می شود که شرکت فواید با افزایش هزینه های قابل کنترل ۲۵۰۰۰ دلار

هزینه تغییر هر هفته ۳ دلار را از ۳ دلار به ۲٫۵ دلار کاهش دهد که خالص آن در این استیمه ای
 که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است می آید. حاصل با تغییر در عمل خالص می توانیم سود خالصی
 از خرید ماشین آلات جدید را بر این مبنی کنیم. حاصل عملی که در این میان سود در هر هفته از این به حساب می آید
 تاثیر آن که در عمل خالص از این است. اگر سطح مزدی از ۲۵۰۰۰ دلار کمتر شود هزینه های تغییر بیشتر و
 هزینه های قابل کنترل کمتر می شود. در نتیجه با فرض بود که در این فواید که از این به حساب می آید که
 فقط ۳۰۰۰ دلار صرفه جویی حاصل می شود که در این میان ۱۰۰۰ دلار از این به حساب می آید که به هر شرکتی از این
 جدید با توجه به هزینه های قابل کنترل بیشتر به میزان ۱۰۰۰ دلار از این به حساب می آید فواید دلگرم است.

جدول شماره ۱) تاثیر تغییرات هزینه های ثابت و تغییر درآمد حاصل

(۷۵,۰۰۰ واحد قیمت ۶,۵ دلار)		شرح
حزین ثابت = ۲۴۵,۰۰۰ دلار	حزین متغیر = ۲۲۰,۰۰۰ دلار	
حزین متغیر = ۲,۵ دلار	حزین متغیر = ۳ دلار	
۵۸۷,۵۰۰	۵۸۷,۵۰۰	درآمد کل
(۱۸۷,۵۰۰)	(۲۲۵,۰۰۰)	حزین متغیر
(۲۴۵,۰۰۰)	(۲۲۰,۰۰۰)	حزین ثابت
(۲۴,۰۰۰)	(۲۴,۰۰۰)	بهره
۳۱,۰۰۰	۱۸,۵۰۰	سود قبل از کسر مالیات (EBT)
(۷,۷۵۰)	(۴,۶۲۵)	مالیات
<u>۲۳,۲۵۰</u>	<u>۱۳,۸۷۵</u>	سود حاصل

جدول شماره ۲) تاثیر کاهش فروش بر درآمد حاصل

(۳,۰۰۰ واحد قیمت ۶,۵ دلار)		شرح
حزین ثابت = ۲۴۵,۰۰۰ دلار	حزین ثابت = ۲۲۰,۰۰۰ دلار	
حزین متغیر = ۲,۵ دلار	حزین متغیر = ۳ دلار	
۱۹۵,۰۰۰	۱۹۵,۰۰۰	درآمد کل
(۷۵,۰۰۰)	(۹۰,۰۰۰)	حزین متغیر
(۲۴۵,۰۰۰)	(۲۲۰,۰۰۰)	حزین ثابت
(۲۴,۰۰۰)	(۲۴,۰۰۰)	بهره
<u>(۱۴۹,۰۰۰)</u>	<u>(۱۳۹,۰۰۰)</u>	زیان

عایدی حرکت در آینده :

عایدی حرکت در آینده. یک ابزار مناسب برای تجزیه و تحلیل حرکت لحاظ می‌گردد. در برنامه ریزی مالی دولت فعلی برای اندازه گیری سود شرکت سود آینده نزدیک است.

۱- بازده سرمایه (ROI) -- $ROI = \frac{EBIT}{\text{عموم در اوراق}}$

۲- عایدی حرکت (EPS)

کاربرد عایدی حرکت برای تحلیل رابطه مختلف در آینده :

تغییر بیش بینی عایدی حرکت در آینده. تاثير حرکت عایدی را بر عایدی و داده اندازه گیری کند. با این تغیر میزان سرمایه که بدون اتحاد معمولاً سودی، دلایل عایدی حرکت عایدی حرکت را مشخص دارد. با سرمایه گذاری جدید در کارها و هزینه های سنگین از سرمایه گذاری جدید و سود سپردن تغییر خواهد کرد. برای تعیین این تغییر در هزینه ها و شرکت باید به موارد زیر توجه داشته باشد.

- ۱- تعیین عایدی حرکت به روشی که تغییر
- ۲- تاثير حرکت جدید باید به طور جداگانه روی عایدی حرکت مورد توجه واقع شود.

نسبت قیمت به سود $(\frac{P}{E})$:

فرض کنید عایدی حرکت است که نسبت به عنوان بازده سرمایه از سرمایه گذاری خود انتظار دارد و بازده بازده این است که انتظار می رود از بازار عایدی حرکت عایدی کسب شود. این نسبت می تواند از طریق تجزیه و تحلیل افلاحت تاریخی، نسبت های شرکت های مشابه و سایر شرایط حاصل شود. برای مثال اگر شرکتی لحاظ خود را با نسبت (قیمت به سود) $\frac{1}{4}$ در سال بگذرد، می توان انتظار داشت که این روند ادامه داشته باشد. حال اگر شرکت این نسبت را حفظ کند، و عایدی حرکت آن از ۱ دلار به ۳ دلار افزایش یابد، قیمت لحاظ سرمایه از ۲۵ دلار به ۳۹ دلار خواهد رسید. به این ترتیب برای تجزیه و تحلیل قیمت آن بازار باید عایدی حرکت آن در $\frac{P}{E}$ به بیش بینی کرد.

شرکت E در نظر دارد سه پروژه جدیدی سرمایه گذاری کند بدون در نظر گرفتن این پروژه. حامی
 هر یک از آن در سال آینده ۲,۱۵ دلار خواهد بود و با در نظر گرفتن پروژه جدید EPS به ۲,۳۵ دلار
 خواهد رسید. در صورتیکه نسبت $\frac{P}{E}$ در بازار نزولی حاصل $\frac{1}{10}$ باشد. مطلوب است:
 حامی ارزش بازار سال آینده بدون در نظر گرفتن پروژه جدید.

$2,35 \times 10 = 23,5$ (دلار) $\frac{P}{E} = 10 \Rightarrow P = 23,5$

$2,15 \times 10 = 21,5$ (دلار) بدون قبول پروژه $\frac{P}{E} = 10 \Rightarrow P = 21,5$

ردیفی مختلف نامی مالی پروژه های جدید:

~~در صورتیکه نسبت $\frac{P}{E}$ در بازار نزولی حاصل $\frac{1}{10}$ باشد.~~
~~در صورتیکه نسبت $\frac{P}{E}$ در بازار نزولی حاصل $\frac{1}{10}$ باشد.~~

اینجا در این جا توضیح شده
 (منابع داخلی) - از روی مدارای حا
 (غایبی - استراژی) (تجدید باقی) (ادایا شایسته) -
 (از روی مدارای) (تجدید باقی)

بافت ب هر یک از نامی وجود صورت سود و زیان تکمیل و سود خالص بیش بینی کلود که اند
 تقسیم آن بر تعداد سهام حامی هر یک از آن حاصل می شود. اگر در نسبت $\frac{P}{E}$ ضرب کنیم قیمت
 مورد انتظار بازگردد دست می آید. بدین معنی است که نسبت ارزش نامی مالی و پروژه ای را این ب
 می کند که بالاترین ارزشی است که برای این شرکت می آید.

مسئله:

۳۴
EPS شرکت ۴ برای سال آینده ۱۵ دلار پیش بینی می‌شود. قیمت فعلی EPS ۱۰ دلار و قیمت بازار سهام هر سهم ۱۰۰ دلار است. قیمت بازار سهام در سال آینده چقدر خواهد بود؟

$$\frac{P}{E} = \frac{100}{10} = 10$$

$$\frac{P}{E} = \frac{x}{15} = 10 \Rightarrow x = 10 \cdot 15 = 150$$

دلایر قیمت سهام سال آینده

~~و در سال آینده قیمت سهام ۱۵۰ دلار خواهد بود~~

- ① ارزش آتی (کب) پول $= P_n = P_0 (1+i)^n = P_0 (cvif)_n^i$
- ② ارزش فعلی پول $= P_0 = P_n \left[\frac{1}{(1+i)^n} \right] = P_n (pvif)_n^i$
- ③ ارزش مرکب (آتی) اقساط مساوی $= S_n = R \left[\frac{(1+i)^n - 1}{i} \right] = R (cvifa)_n^i$
- ④ ارزش فعلی اقساط مساوی $= A_n = R \left[\frac{1}{(1+i)^1} + \frac{1}{(1+i)^2} + \dots + \frac{1}{(1+i)^n} \right] = R (pvifa)_n^i$
- ⑤ ارزش آتی اقساط کمتر از یک سال $= P_n = P_0 \left(1 + \frac{i}{m} \right)^{m \cdot n}$
- ⑥ ارزش فعلی اقساط کمتر از یک سال $= A_n = R (pvifa)_{m \cdot n}^{\frac{i}{m}}$

معنای علامت اقساط در جدول حساب صندوق عبارتند از:

- P_n یا F = ارزش آتی کب یا آتی پول
- P_0 = اصل مبلغ سرمایه گذاری اولیه
- i = نرخ بهره سالانه
- n = تعداد اقساط
- S_n = ارزش کب اقساط مساوی سالانه برای n سال
- R = مبلغ هر قسط یا بودجه های دریافتی
- A_n = ارزش فعلی اقساط مساوی
- $cvifa$ = عامل بهره ارزش کب اقساط مساوی برای n سال با نرخ بهره i در هر سال
- عامل بهره ارزش فعلی اقساط مساوی $= pvifa$
- m = تعداد دفعاتی که بهره یا سود سرمایه گذاری در طول یک سال پرداخت می شود
- P_0 ارزش پول که بهره $= i$ = اقساط پرداختی در سرمایه گذاری

عامل محو در ارزش زمانی سرمایه‌گذاری و تقسیم قرض در جهت انتخاب خالص‌ترین سرمایه‌گذاری مورد بررسی است. همچنین باید ملاحظه کرد که بازده سرمایه‌گذاری آنرا سرمایه‌گذار باید مطلقاً بیشتر از دل‌خواه ارزش زمانی پول برای دو متغیر زمانی به هم برساند تا حالتی بی‌کسب شود.

۱- ارزش زمانی پول (کسب)

۲- ارزش فعلی پول

۱- ارزش زمانی پول (کسب) :

ارزش کسب عبارتست از ارزش و هم‌زمان دوره n یا نرخ بهره i در صدد.

فرمول ارزش زمانی پول :

price \rightarrow

$$P_n = P_0 (1 + i)^n$$

$$P_n = P_0 (1 + i)^n$$

$$P_n \text{ یا } F = \text{ارزش مرکب پول با آتی}$$

$$P_0 = \text{اصل مبلغ سرمایه‌گذاری اولیه}$$

$$i = \text{نرخ بهره سالانه}$$

$$n = \text{تعداد سالها}$$

ارزش آتی پول

در صورتیکه $(1+i)^n$ را عامل محو کنیم می‌توانیم بنویسیم:

مثال:

فرض کنید مبلغ ۱۰ دلار را در حساب پس‌انداز با بهره مرکب ۱۰ درصد سپرده کرده‌اید. ملاحظه کنید:

$$P_1 = P_0 (1 + i)^1$$

مبلغ موجودی او در پایان سال اول، در نظر بگیرید.

$$P_1 = 10,000 (1 + 0.10)^1$$

$$P_1 = 11,000 \text{ (دلار)}$$

$$P_2 = P_0 (1 + i)^2 = P_0 (1 + i)(1 + i) = P_0 (1 + i)^2 = 10,000 (1 + 0.10)^2 = 12,100$$

دلار

$$P_3 = 10,000 (1 + 0.10)^3 = 13,310$$

دلار

با استفاده از جدول ارزش فعلی می توان مشخص کرد ارزشی حال حاضر و وجهی که در آینده دریافت کنیم
قدری باشد.

فرمول ارزش فعلی پول:

$$P_0 = P_n \left[\frac{1}{(1+i)^n} \right]$$

$$P_0 = P_n (PVIF)_n$$

در حالت ارزش فعلی مبلغ معین همان فرمول و PVIF عامل ارزش فعلی می باشد.

مثال:

آدم شخصی پیشنهاد کرد که امروز ۳۵۰۰۰ دلار سرمایه گذاری کند و در ۵ سال بعد ۵۰۰۰۰ دلار دریافت
کند. در صورتیکه نرخ بهره ۸ درصد باشد آیا این سرمایه گذاری را انجام دهد یا خیر؟

$$P_0 = P_n (PVIF)_n$$

$$P_0 = 50,000 (PVIF)_5$$

$$P_0 = 50,000 (0.681) = 34,050$$
 دلار ارزش فعلی مبلغ دریافتی

سرمایه گذاری امروز ۳۵۰۰۰ دلار و سرمایه گذاری شده بیشتر از ارزش فعلی وجه دریافتی است.

ارزش مرکب (آنی) افت طساد:

مستقر ارزش افت طساد و قیمت نقدی دریافتی که در تاریخ سررسید (آنی) $t=0$ است.

فرمول ارزش مرکب افت طساد به شرح زیر است:

$$S_n = R \left[\frac{(1+i)^n - 1}{i} \right]$$

یا

$$S_n = R (cvifa)_n^i$$

S_n = ارزش مرکب افت طساد وی سالانه برای n سال

R = مبلغ هر قسط

n = تعداد دوره های افت طساد

$cvifa$ = عامل بهره ارزش مرکب افت طساد وی برای i سال و نرخ بهره i درصد.

مثال:

اگر شخصی مبلغ ۱۰۰۰ دلار در سال برای مدت ۱۰ سال در حساب پس انداز بگذارد که به صورت

نرخ بهره ۱۰ درصد باشد و در پایان سال هر مبلغی را برداشت کند.

$$S_n = R (cvifa)_n^i$$

$$S_n = 10,000 (cvifa)_{10}^{10\%}$$

$$S_n = 10,000 (9, ۷۴۲) = 97,۴۲۰$$

ارزش فعلی آفت ط مساوی :

مشهور که ارزش آفت ط مساوی مساوی که به پرداخت کند در زمان حال حاضری باشد.

فرمول ارزش فعلی آفت ط مساوی : $A_n = R \left[\frac{1}{(1+i)} + \frac{1}{(1+i)^2} + \dots + \frac{1}{(1+i)^n} \right]$

$$A_n = R \left[\frac{1}{(1+i)} + \frac{1}{(1+i)^2} + \dots + \frac{1}{(1+i)^n} \right]$$

یا

$$A_n = R (Pvif_0)_n$$

$$A_n = \text{ارزش فعلی آفت ط مساوی}$$

$$Pvif_0 = \text{عامل بهره ارزش فعلی آفت ط مساوی}$$

$$R = \text{آفت ط مساوی سالانه}$$

مثال :

تخصی اقدام به خرید آپارتمانی به مبلغ ۳۰۰۰۰۰ دلار می کند. برای پرداخت وجه آن در راه به او پیشه در می شود. بابت کل مبلغ ۳۰۰۰۰۰ دلار را نقداً پرداخت کند و بابت کل وجه را به صورت آفت ط سالانه ۱۰۰۰۰۰ دلار در صورت ۵ سال پرداخت کرد. اگر نرخ بهره ۱۰ درصد باشد که در پیشه کار نه سبب تر است ؟

$$A_n = R (Pvif_0)_n$$

$$A_n = 1,000,000 (2,991)_0^{10}$$

$$A_n = 299,100 \text{ ارزش فعلی آفت ط مساوی در ۵ سال}$$

خبر است که کل وجه را به صورت آفت ط سالانه ۱۰۰۰۰۰ دلار پرداخت کند زیرا ارزش فعلی آفت ط مساوی بعد از ۵ سال حاصل ۲۹۹,۱۰۰ دلار است که نه ۳۰۰,۰۰۰ دلار نقد است که کم تر است پس سبب تر است.

مسئله ۳:

(۲۹)

شخصی دو پروژه را به هم می‌گذارد. پروژه (الف) دارای بازده سالانه معادل ۵۰۰۰۰ دلار برای ۲ سال و پروژه (ب) دارای بازده سالانه معادل ۴۰۰۰۰ دلار برای ۳ سال است. در صورتیکه نرخ تنزیل یا درجه باشد ارزش فعلی هر پروژه را می‌توانیم کسر.

$$A_n = R (P \cdot i \cdot f_0)^n$$

$$A_n = 50000 \cdot (1.0733)^n = 858, \dots$$

ارزش فعلی پروژه الف

$$A_n = 40000 \cdot (1.087)^n = 994, \dots$$

ب - - -

پروژه ب مطلوب تر است. زیرا ارزش فعلی بازده‌های آن بیشتر از ارزش فعلی بازده‌های آن می‌باشد. پروژه الف است.

$$A_n = x(1.087) = 858$$

$$x = \frac{858}{1.087} = 789.14$$

ارزش فعلی اقساط نام وی :

درجه تنزیل یا درجه نام وی را از طریق محاسبه ارزش فعلی جریان نقدی هر سال به طور جداگانه بدست می‌آوریم -

مسئله ۳:

بازده معهود انتقال حاصل که یک سرمایه‌گذار در چهار سال آتی به ترتیب ۱۰۰۰۰ دلار، ۱۵۰۰۰ دلار، ۲۰۰۰۰ دلار و ۲۵۰۰۰ دلار می‌باشد. در صورتیکه نرخ بهره ۱۵ درصد باشد چقدر باید سرمایه‌گذار کرد تا مقروض به حقوق باشد؟

حل

سال	جریان نقدی معهودی سالانه	x ضرب PVI (بهره ۱۵ درصد)	ارزش فعلی (دلار)
۱	۱۰,۰۰۰	۰/۸۷۰	۸,۷۰۰
۲	۱۵,۰۰۰	۰/۷۰۵	۱۱,۳۴۰
۳	۲۰,۰۰۰	۰/۵۵۸	۱۲,۱۵۰
۴	۲۵,۰۰۰	۰/۴۲۲	۱۰,۵۵۰
جمع ارزش فعلی جریان نقدی معهودی			۴۲,۷۴۰

بنابراین هرگز تا مبلغ ۴۲,۷۴۰ دلار سرمایه‌گذار نمی‌تواند این پروژه مقروض به حقوق باشد.

$$P = \frac{P_n}{(1+i)^n} = \frac{10000}{(1.15)^1} + \frac{15000}{(1.15)^2} + \frac{20000}{(1.15)^3} + \frac{25000}{(1.15)^4}$$

ارزش آتی و ارزش فعلی آن که کمتر از یک سال ۵

چنانچه مریضان نقدی سر سرمایه ۱۰۰۰ دلار در یک سال مثلاً ۱۰۰۰ دلار، ۱۰۰۰ دلار، ۱۰۰۰ دلار و غیره ای را تصور مینماید که در سال اول
و این تعداد دفعات پرداخت شود سر سرمایه که در آن تقسیم و عدد که سالها را نیز باید در تعداد دفعات پرداخت
شود سر سرمایه که در آن ضرب کنیم

نمونه ارزش آتی و ارزش فعلی آن که کمتر از یک سال ۵

$$P_n = P_0 \left(1 + \frac{i}{m}\right)^{mn}$$

n = تعداد دفعاتی که محاسبه می شود سر سرمایه که در آن تقسیم و عدد که سالها را نیز باید در تعداد دفعات پرداخت

$$P_n = \text{ارزش آتی}$$

$$A_n = R (Pvif_a)_{mn}^{\frac{i}{m}}$$

$$A_n = \text{ارزش فعلی}$$

$$P_0 = \text{قیمت پرداختی در زمان حال}$$

$$R = \text{سودهای دریافتی}$$

مثال ۷:

ارزش آتی یک سرمایه گذاری به مبلغ ۱۰۰ دلار که در آن ۹ درصد هر چه باشد یکبار پرداخت می شود بعد از ۵ سال مقدر خواهد بود

$$P_n = P_0 \left(1 + \frac{i}{m}\right)^{mn}$$

$$P_n = 100 \left(1 + \frac{9}{100}\right)^{50}$$

$$P_n = 100 \left(1 + 0.09\right)^{50} \Rightarrow P_n = 100 (Pvif_a)_{50}^{10} = 100 (1.558)$$

$$P_n = 155.8 \dots$$

دلار آتی سرمایه گذاری پس از ۵ سال

نمونه ۷: در ساله فوق چنانچه سود سرمایه گذاری به حساب هر چه باشد یکبار به طور سالانه پرداخت شود با همان

(5)

فرض نموده 9 دوره و هر سال 5 درصد سود مرکب خواهد بود

$$P_n = 100,000 (1.05)^9 = 153,900 \dots$$

(دلالت بر دریافت سرمایه)

ملاحظه که ملاقاتی شود آن 153,900 دلار حاصل می شود و
 چنانچه سود هر سال 5 درصد شود پس از 5 سال 155,800 دلار حاصل می شود.
 به پرداخت سود 5 ساله چون سود تعلق می گیرد به اصل سود 5 ساله می شود.

چنانچه سودهای سرمایه گذاری که هر سه ماه پرداخت می شود 10 دلار بوده و به مدت 5 سال پرداخت
 گردد و نرخ بهره 4 درصد باشد از این سودهای سرمایه گذاری مقدار خواهد بود.

$$A_n = R (Pvif)_n^i$$

$$712 = 4 = 73$$

$$5 \times 4 = 20$$

$$A_n = 100,000 (Pvif)_n^{0.04} = 100,000 (1.04, 877)$$

$A_n = 148,770$ این سودهای سرمایه گذاری پس از 5 سال (پرداخت سود 3 ساله)
 را نشان می دهد چنانچه سود سرمایه گذاری به خود سالانه به مبلغ 40,000 دلار پرداخت شود و اصل بهره مربوط
 به نرخ 4 درصد 5 سال می باشد که در این سودهای سرمایه گذاری پس از 5 سال
 خواهد بود.

$$A_n = R (Pvif)_n^i$$

$$A_n = 40,000 (3, 9, 5)^{0.04} = 144,200$$

(پرداخت سود سالانه)

مفهوم ریک:

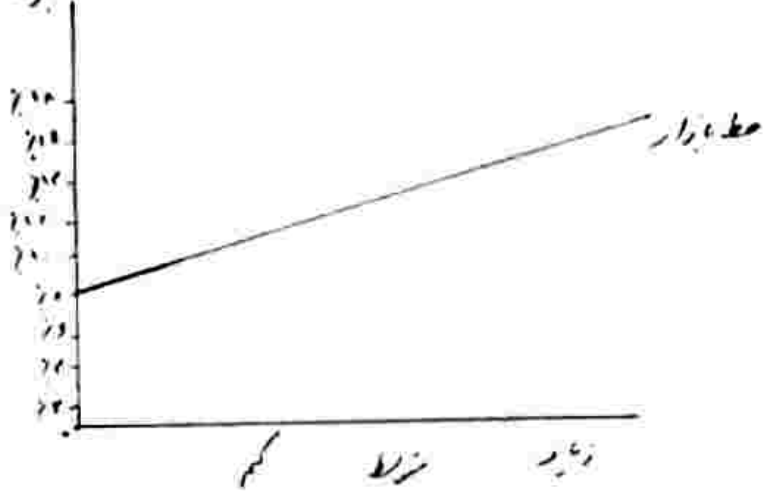
مدارند با جی و بزرگ بندی سرمایه ای یک طرح شرکت باید اطمینان بر زمین به بازده بیش بینی شده
و برای کند. در آنکه تقسیم گری استوایی این اطمینان را میزان ریک می نامند. هر چه ریک در احتمال اطمینان
بازده واقعی یک سرمایه گذاری کند بازده بیش بینی شده باشد ریک نامیده می شود.

معنی بازده:

نرم بازده یک سرمایه گذاری مخفی است که از نظر سرمایه گذاران مختلف معانی متفاوتی دلورده می از
شرکت در جستجوی بازده کوتاه مدت نقدی هستند و از این گونه می بازده بلند مدت می دهند. چنین شرکتی ممکن
است سود شرکتها می واکه سود نقدی زیادی به اوست می کنند هزینه های غایب. بهی دیگر از سرمایه گذاران
در حجم اول می آید و توسعه اهمیت می دهد. این قبل شرکتها در جستجوی سرمایه و در حاشی هستند که در
بلند مدت سود کم می را عاید آنها می کند. بهی از سرمایه گذاران بازده سرمایه گذاری را با استفاده
از نسبتی می مقایسه می کنند. این قبل سرمایه گذاران در شرکتها که بازده سرمایه گذاری را با استفاده
سرمایه گذاری می کنند.

دلیل ریک و بازده:

زین یک مفهوم بزرگ به بالا قابل قبول است که بازده بیش بینی شده آن نیز به بالا باشد. هر چه ریک
بیشتر معنی که دلای ریک به بالا باشد و بی بازده بیش بینی شده آن در این باشد طرح قابل قبول
نخواهد بود. مانده ریک و بازده در شکل زیر نشان داده شده است.



خط بازار

بند دوم به شکل نمودار یعنی از روی نمودار خط بازار می توان استنتاج کرد:

۱- شیب صعودی:

از آنجا که محور افقی شیب خط به سمت بالا و عمودی به سمت پایین است. این حالت منعکس کننده این واقعیت است که هر چه قیمت خرید یک طرح بیشتر باشد بازده آن نیز بالاتر است.

۲- شیب منفی محور عمودی:

محور افقی یا محور X ها محور منفی مستقل است و محور Y ها یا محور عمودی محور منفی وابسته است. به این دلیل که هر چه قیمت خرید یک طرح بیشتر باشد بازده آن کمتر می شود. بنابراین شیب محور عمودی منفی است.

۳- نرخ بازده بدون ریسک:

در نتیجه ایفای که خط بازار با محور Y ها در نقطه 8% تقاطع پیدا می کند این واقعیت نرخ بازده بدون ریسک که شامل نرخ بازده اوراق دولتی است را منعکس می کند. معمولاً اینگونه است و ریسکی نخواهد داشت و سرمایه گذار به یک بازده بدون ریسک دست پیدا می کند. برای یک شرکت این نرخ بازده 8% حداقل بازده مورد انتظار سرمایه گذار است.

۴ - بازده مجموعه سرمایه گذاری (عوارضی) :

مجموعه بازدهی حاصل از سرمایه گذاری در یک شرکت با سرمایه گذاری در یک شرکت دیگر
متمم است که از بازده کلی سرمایه گذاری در هر دو شرکت حاصل می شود و از بازدهی هر یک
کمی کمتر است.

دو صورت شکل دهنده یک :

۱- یک تجاری :

یک تجاری موقعتی است که شرکت مادر به مجرد سرمایه گذاری در یک شرکت دیگر
که مانند به عنوان مثال آن بهره برداری از یک شرکت دیگر است و وجود نداشته باشد.
یا اینکه معمولاً در طول این سالها فروش نباشد و یا شرکت با سایر مشغلات مواجه شود که
باعث زیان شود. به طور کلی یک تجاری است که کلیه مشغلات محلی می باشد.

۲- یک خاص :

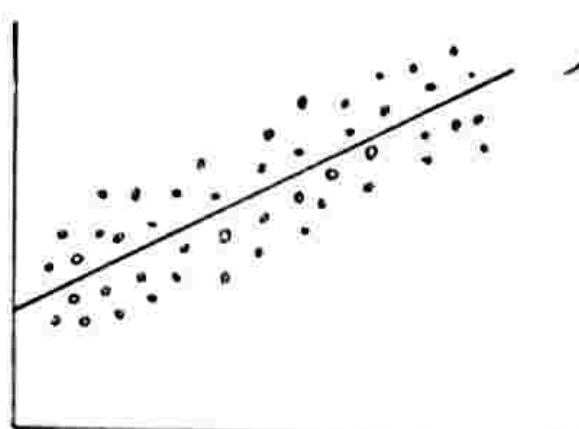
شرکتی است که سرمایه گذاری در یک شرکت دیگر را میسر می آورد و در نتیجه به سود و امت
بهره حاصل می کند و سود آن ظاهر شده باشد. اگر با وجود یک شرکت خاص به شرکت دیگر امکان است مادر
به پرداخت هزینه های عملیاتی خود باشد، ولی مادر به نام سرمایه گذاری می سرمایه گذاری نخواهد بود.

خط بازده یک بازده غیر موزون :

یک بازده غیر موزون کلیه بازدهی حاصل از یک رابطه مشخص بین یک بازده مورد معامله و رقم
می شود. بنابراین کلیه بازدهی ادراکی و غیره و در این سرمایه گذاری در زمانی مورد معامله
قرار می گیرند. در یک بازده غیر موزون بعضی از بازدهی ها با درصد بیشتری نسبت به سهم در این
یک مبلغ معین یک فواید است و موقعت کلیه بازدهی ها بر روی خط بازدهی قرار می گیرند.

تفاضل ریسک و بازده سرمایه بر روی خط عیار حالت استندارد و در هر دو می نقطه تعادل بالا تر از خط عیار (۱۵٪) یک سرمایه گذاری مثبت و نقطه تعادل پائین تر از خط عیار یک سرمایه گذاری منفی که از عیار بی کارگزار

بازده مورد انتظار



خط عیار

خط عیار با حجم کارهای (فرهنگ):

مطلع ریسک

ساختار سرمایه و هزینه سرمایه:

ساختار سرمایه شرکت را می توان به عنوان ترکیبی از حقوق صاحبان سهام و بدهی دانست. با تغییر در ساختار سرمایه، ریسک و بازده مورد انتظار شرکت تغییر می کند. در بعضی از نوشته ها به همی کوتاه مدت را از ریسک و بازده مورد انتظار می گویند. با توجه به اینکه به همی کوتاه مدت به عنوان یک منبع دائمی ما در عمل مورد استفاده قرار می گیرد. لذا باید در تقسیم و تحلیل ساختار سرمایه در نظر گرفته شود.

اصطلاح هزینه سرمایه مربوط به بازده مورد انتظار یک سرمایه گذاری است در صورت افلاح بازده مورد انتظار می باشد. روشی به این عنوان هزینه سرمایه تلفیقی است که بازده مورد انتظار را بر حسب اجزاء مختلف تشکیل دهنده ساختار سرمایه شرکت اندازه می گیرد. در این روش هزینه سرمایه از اولام به همی و بازده ریسک از اولام حقوق صاحبان سهام به طور جداگانه می آید. با در نظر گرفتن این شانس ها می توان بازده مورد انتظار کلی را تعیین کرد. به طوریکه این بازده هزینه بهره اقساط به همی و سود سهام ممتاز را پوشش دهد و در نهایت بازده کلی برای سهامداران عادی که ریسک سرمایه گذاری را پذیرفته اند، باقی بماند.

استفاده از اصطلاح هزینه سرمایه در بخشهای بازده مورد انتظار استعجابی را ایجاد میکند. برای جلوگیری از (۹۰)
 مشغول نماندن از این اصطلاحات از اصطلاح میانگین سودن بازده مورد انتظار در وقت میانگین سودن
 استفاده می شود.

در آنجایی که بعضی دلایل هزینه ای است که بر اساس هزینه بجزه ای که شرکت می پردازد تعیین می شود بازده
 مورد انتظار همانند این معادله باید حد اقل معادل هزینه سرمایه که لیدی باشد.

خواهی که میانگین سودن بازده مورد انتظار:

$$r = \left(\frac{\text{بازده مورد انتظار}}{\text{بازده مورد انتظار}} \right) + (1 - \text{بازده مورد انتظار}) \left(\frac{\text{بازده مورد انتظار}}{\text{بازده مورد انتظار}} \right) = \text{بازده مورد انتظار}$$

$$\left(\frac{\text{بازده مورد انتظار}}{\text{بازده مورد انتظار}} \right) + \left(\frac{\text{بازده مورد انتظار}}{\text{بازده مورد انتظار}} \right)$$

مثال:

گفته می شود ۱۵ میلیون دلار در ۱۴٪ و ۱۰ میلیون دلار در ۱۵٪ و ۴٫۵ میلیون دلار در ۱۶٪ و ۲۰
 میلیون دلار در ۱۷٪ قرار می گیرد. نرخ جاری بازده برای سهام عادی ۱۷٪ است و در هر صورت حرکت ۱۴٪
 است. میانگین سودن بازده مورد انتظار چقدر است؟

اصل

$$r = 15 \times 0.14 + 10 \times 0.15 + (4.5 \times 0.16) = 11.5\%$$

$$r = 0.115 = \frac{15}{115} \times 0.14 + \frac{10}{115} \times 0.15 + \frac{4.5}{115} \times 0.16 = \text{بازده مورد انتظار}$$

زمانی که هزینه یا بازده های حرکتی که اجرا می شود مشخص می شود میانگین سودن بازده مورد انتظار را
 مشخص می کند. بنام این حرکت که امروزه شکل داده شده است شامل سهام، سهام ممتاز و سهام عادی را
 به طور جداگانه به نام هزینه سرمایه می گویند.

خرید واک:

مراکز مواد خرید واک شرکت مشخص است. به طوری که شرکت با توافق با استفاده از قرارداد و احوای واک
 مستفاده با بانک یا سایر موسسات اعتباری، مبلغ خرید مجزا پرداختی برای واحدهای افزوده، تعیین کند و
 میزان چسب خود را بر اساس مبلغ خرید (وام) کوتاه مدت یا مجزایم یا مجزایم (طبقه بندی مشخص کند).

فرمول خرید واک:

$$\text{خرید واک} = \frac{\text{مبلغ خرید واک سالانه}}{\text{ارزش بازگشت هر سال}} \times \text{مبلغ خرید واک}$$

سؤال:

اطلاعات زیر مربوط به شرکت آسان می باشد. مطلوب است خرید واک به چه مبلغی باشد.

اطلاعات بهی	خرید سالانه	ارزش افزوده (دلار)	ارزش بازگشت (دلار)
حاشیای پودر آفتی	۰	۸,۵۰۰,۰۰۰	۸,۵۰۰,۰۰۰
اندام پودر آفتی کوتاه مدت	۰.۱۱۵۰	۴,۰۰۰,۰۰۰	۴,۰۰۰,۰۰۰
اوراق ترفه بلند مدت	۰.۱۱۴۵	۱۵,۰۰۰,۰۰۰	۱۳,۰۰۰,۰۰۰
وام های جدید بلند مدت	۰.۱۱۹۲	۹,۰۰۰,۰۰۰	۵,۵۰۰,۰۰۰
جمع			۳۱,۰۰۰,۰۰۰

$$\text{خرید واک} = (۸,۵۰۰,۰۰۰)(۰) + (۴,۰۰۰,۰۰۰)(۰.۱۱۵۰) + (۱۵,۰۰۰,۰۰۰)(۰.۱۱۴۵) + (۹,۰۰۰,۰۰۰)(۰.۱۱۹۲) = ۳,۷۴۷,۰۰۰$$

$$\text{خرید واک} = \frac{۳,۷۴۷,۰۰۰}{۳۱,۰۰۰,۰۰۰} = ۱۲.۱\%$$

بازده مورد انتظار سهام ممتاز :

حالب بازده مورد انتظار سهام ممتاز نیز به روشی حالب هزینه بدهی است که در تقسیم سود سهام ممتاز به ارزشی برابر با سهام ممتاز حاصل می شود. در این روش فرض می شود که شرکت نقد دارد به همان سهام ممتاز سود پرداخت کند. لذا آنجا که پرداخت سود سهام تأثیر به میزان عایدت پرداختی ندارد بازده مورد انتظار سهام ممتاز بدانکه عایدت از وصول نیز حاصل می شود :

موصول :

$$\text{بازده مورد انتظار سهام ممتاز} = \frac{\text{سود سهام ممتاز}}{\text{قیمت سهام ممتاز در بازار}}$$

مسأله :

سهام ممتاز ۱۰۰ دلاری شرکتی به مبلغ ۱۲۰ دلار در بازار به فروش می آید. این شرکت سود سهام ممتاز را ۱۴ درصد اعلام می کند. بازده مورد انتظار سهامداران چقدر است ؟

$$\text{بازده مورد انتظار سهام ممتاز} = \frac{۱۰۰ \times ۱۴}{۱۲۰} = ۱۱,۷\%$$

بازده مورد انتظار سهام عادی :

حالب بازده مورد انتظار سهام عادی به سادگی حاصل از مربوط به سهام ممتاز نیست. سهامداران عادی انتظار دریافت بازده ثابت و تعیین شده ندارند. به این تقسیم حقوق سهامداران عادی باید مالک عادی همی مانند عادی مرتفع. در مورد سود سهام پرداختی، هرگز نقد و قیمت سهام عادی در بازار مشخص می شود.

موصول :

$$\text{بازده مورد انتظار سهام عادی} = \frac{\text{عایدت مرتفع}}{\text{قیمت بازار مرتفع عادی}}$$

شرکتی دارایی ۲۰۰ لایحه میسر کرده و ^{برده} ^{۱۰۰٪} ۱۰۰٪ آن را به سرمایه عادی ۱۵۰ دلار است. بزرگ سهمداران
میان سهام خرد است.

(حل)

$$\text{بزرگ سهمداران} = \frac{25}{150} = 0.167$$

puif

مجموعه آزمون

ردیف	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30	31	32	33	34	35	36	37	38	39	40	41	42	43	44	45	46	47	48	49	50	51	52	53	54	55	56	57	58	59	60	61	62	63	64	65	66	67	68	69	70	71	72	73	74	75	76	77	78	79	80	81	82	83	84	85	86	87	88	89	90	91	92	93	94	95	96	97	98	99	100
1	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30	31	32	33	34	35	36	37	38	39	40	41	42	43	44	45	46	47	48	49	50	51	52	53	54	55	56	57	58	59	60	61	62	63	64	65	66	67	68	69	70	71	72	73	74	75	76	77	78	79	80	81	82	83	84	85	86	87	88	89	90	91	92	93	94	95	96	97	98	99	100									

برگرفته از کتاب مدیریت مالی - وستون و گان - ترجمه سید سعید میرزایی

نیمه کنده - فرهنگ آریه ای

1317/0/0

